

ادامه از **صفحه ۶**

عصر برفی جمعه با قهرمان فرهادی

مسئولان و کارکنان زندان که نماد سیستم اداری سازمانی است و می‌خواهد بگوید هیچ اعتمادی در میان نیست و تا تقی به توقی می‌خورد مسئول مستقیم رحیم در زندان فی‌الغور زیر همه قول‌وقرار و حمایت و پشتیبانی زده و حاشا می‌کند و در این بین به فرم سفت‌وسخت بوروکراسی اداری سازمانی نیز گریز می‌زند. آنجا که مسئول فرمانداری در قبال قدردانی از عمل خیر رحیم که قول جذب و استخدام داده است، ایراد بنی‌اسرائیلی می‌گیرد و در نهایت رحیم را بر نوعی در منگنه قرار می‌دهد تا برای اقناع فرد مسئول فرمانداری دست به جعل واقعیت بزند و در واقع با سرسختی بی‌مورد راه خطب را برای رحیم هموار می‌کند یا مسئول مستقیم رحیم در زندان که در اول با رحیم همراه و هم‌نوا شده و راه میان‌بر به رحیم پیشنهاد می‌کند تا حتی شده با کمی جعل واقعیت اتفاق افتاده خود را از گرفتاری زندان رها کند کسه بعدا با صراحت و بروویی حرفش را پس می‌گیرد و رحیم را تنها می‌گذارد که در واقع همه این اتفاقات فی‌مابین رحیم به‌عنوان نمادی از مردم بسیار عادی جامعه و اداره زندان و فرمانداری رابطه بیسن مردم و جامعه با سیستم اداری است که فرهادی مدنظر قرار داده است و می‌خواهد بگوید به واقعیت تلخ بی‌اعتمادی به‌طور صریح اشاره کند.

در برداشت دیگری از فیلم رابطه بین دوباجناق است که در ظاهر فیلم رحیم به‌عنوان فرد قربانی فقر و بی‌اعتمادی جامعه و در مقابل باجناق با بازی محسن تانابنده که یک فرد سرسخت و به بیان سینمایی نقش منفی فیلم جلوه داده شده است، درصورتی‌که با کمی دقت در ادامه فیلم متوجه می‌شوسی که فرهادی به ذکاوت و سبک خودش نقش منفی را هم تماما منفی نشان نمی‌دهد بلکه در برشی دیگر منفی و مثبت و خوب و بد را یکجا در قواره همه کاراکترها نشان می‌دهد.

در واقع در بستر جامعه‌شناختی می‌خواهد بگوید وقتی جامعه به لحاظ ارزشی تنزل پیدا می‌کند، بدی‌ها در همه‌جای جامعه رسوخ پیدا می‌کند و همه را دربر می‌گیرد و استثنائی در کار نیست و همین را هم به‌وضوح در کاراکتر باجناق رحیم نشان می‌دهد؛ آنجا که وی در خیریه به هنگام موضوع رضایت دهان باز می‌کند و اینکه چطور با صداقت دست رحیم را گرفته و برای این حمایت و مساعدت رحیم از چیز چیزهایی گذشته است و رحیم در مقابلش بدقول شده است و آنجا که یک لحظه نقش منفی باجناق رنگ می‌بازد و روی مثبت خود را نشان می‌دهد و این برداشت‌ها از مختصات کار فرهادی است که به زیبایی به تصویر کشیده است.

درواقع اگر بخواهیم در یک نتیجه‌گیری نگاهی مختصر داشته باشیم، باید گفت فیلم به لحاظ جذابیت برای مخاطب نسبت به آثار قبلی بالاصح گذشته و مشتری افت کرده بود و آن شور لازم را نداشت

و به جهت اینکه مخاطب فیلم‌های فرهادی طبقه روشنفکر است و ژانر انتخابی‌ی نیز بی‌استاد به آثار قبلی ملودرام بود و برای همین بین پایگاه بینندگان خود که طبقه اکثرا شهری متوسط روشنفکر بود، با ژانر انتخابی‌اش فاصله نگرفته بود؛ درصورتی‌که در قهرمان این رویه شکسته شده و بیننده زیاد به تم و ژانر انتخابی ارتباط نمی‌گیرد.

نکته دیگر فیلم که می‌توان آن را از نکات مثبت فیلم دید، استفاده از بازیگران معمولی و کمی هم نابازیگر بود که اکثرا سبک مجیدی است.

در واقع با همه این اوصاف پیام اصلی اصغر فرهادی در فیلم قهرمان روایت چالش پیش‌آمده برای رحیم نقش اصلی فیلم نبود بلکه چالش اجتماعی به‌مراتب بزرگتری دغدغه‌اش بوده که در بستر مشکل رحیم طرح کرده است و آن همانا عوارض خانمان‌سوز سوء‌استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است که خواسته بگوید جوامع انسانی در فضایی به سر می‌برد که هیچ عضوی از جامعه مصون نبوده و همه زیر دوربین مخفی عمومی هستند که در همه زوایای زندگی در جریان است و با کمی امهال و سهل‌اناشی می‌تواند زندگی عادی یک فرد را به فنا و نابودی بکشاند یا شاید در برشی دیگر می‌خواهد قدرت فضای مجازی را در عصر حاضر نشان دهد.

به‌رحال نگارنده در جایگاه علاقه‌مندان خاص سینما معتقد است که در فرم کلی این اثر سبک و سیاق مسئله‌محور را حفظ کرده بود ولی این‌بار فرهادی نه به حل مسئله بلکه در دل مسئله یک چالش مهم اصلی را مطرح کرده بود که از امتیازات قهرمان نسبت به آثار قبلی بود ولی شاید می‌توانست عنوان فیلم را مناسب‌تر از این انتخاب کند؛ چراکه پیام اصلی فیلم بحث قهرمان یا نامهربان نبود، چیز دیگری بود که باعث تعدد فرهادی خواسته بود در دل روایت قهرمان مطرح کند.

در نهایت معتقدم قهرمان قواره سبک و سیاق اثر مستندوار از نوع کاردستی فرهادی را حفظ کرده بود ولی شاید به لحاظ سبیر پیشرفت کاری زیاد موفق نبود و آثار قبلی‌اش دل‌انگیزتر از این بود.

موسیقی‌های استعدادی‌بی واکنش‌ها به پخش برنامه‌ای جدید

در باره تأثیرات برنامه‌های استعدادی‌بی موسیقی به بهانه واکنش‌ها به پخش برنامه‌ای جدید

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

علاقه‌مندان به آن هستند که اگر استعداد بالایی در

شرق؛ علیرضا عصار، شاید تنها بازمانده نسل اول موسیقی پاپ بعد از انقلاب باشد. او هرچند در سال‌های اخیر کم‌کار شده، اما همچنان کوشیده دوستدارانش را با خود پیش ببرد و البته نشان داده توانایی جذب مخاطبان نسل جدید را نیز با آثارش دارد. عصار در انتخاب‌هایش؛ چه آثار اجتماعی و چه عاشقانه، انگار می‌داند کدام اثر در چه دوره‌ای می‌تواند شنونده بیشتری پیدا کند و کدام ترانه برای چه دوره‌ای سروده شده است.

این هنرمند به عنوان یکی از داوران «بزرگ‌ترین رقابت گروه‌های موسیقی» در ایران انتخاب شده و در کنار بهروز صفاریان، امید نعمتی، مهراوه شریفی‌نیا و امید حاجیلی (میزبان و مجری) نشسته است. برنامه «بندبازی» با حضور این چهره‌های نامدار موسیقی و سینما از طریق پلتفرم «فیلم‌ت» پخش شده است. چند قسمت نخست برنامه، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت و همین واکنش‌ها دلیل گفت‌وگو با خواننده آثار «خاطره‌انگیزی مانند «خیال نکن نباشی» شد؛ خواننده‌ای که در این برنامه سعی کرده نگاهی متمرکز بر آموزش و هدایت داشته باشد، نه نقد و تخریب. علیرضا عصار در گفت‌وگو با «شرق» از «بندبازی»، واکنش‌ها و حاشیه‌های این برنامه گفت. ماحصل این گفت‌وگو را ادامه می‌خوانید:

ماجرای آغاز همکاری شما با پروژه «بندبازی» از کجا شروع شد؟

سال‌های زیادی بود که مترصد بودم چنین اتفاقی در حوزه برنامه‌سازی موسیقی با این کیفیت و عظمت رخ بدهد. موسیقی ما در طول سال‌های گذشته عموماً هرگز برنامه اختصاصی و درخور شأنی نداشته است. پیشنهاد اولیه برای حضور در این برنامه را در ابتدای کار، امید حاجیلی به من داد، سپس جلسه‌ای با نیما بانک برگزار کردم و به این نتیجه رسیدیم که نظرات نزدیکی با کارگردان داریم. تصمیم گرفتم در این برنامه حاضر باشم و اگر می‌توانم کمکی به معرفی استعداد‌های جدید داشته باشم.

تفاوت «بندبازی» با دیگر اتفاقات مشابه و برنامه‌های تولیدی چیست که پیش‌تر پیشنهاد حضور در آنها را رد کردید؟ این وجه تمایز برای شما چگونه تعریف شد؟

این بستر بهترین پیشنهاد در همه این سال‌ها بوده و هست. به هر حال زمانی که نسل ما در ابتدای جریان موسیقی پاپ بعد از انقلاب آغاز به کار کرد، هرگز چنین بسترها و برنامه‌هایی وجود نداشت. فکر می‌کنم «بندبازی» بهترین بستر برای گروه‌هایی است که فکر می‌کنند آثارشان سخت شنیده می‌شود. آنها می‌توانند از طریق این برنامه هنرشان را بهتر معرفی کنند. همین فکر و ایده بود که باعث شد تصمیم بگیرم در این برنامه حضور پیدا کنم و نقشی کوچک در معرفی جوانان بااستعداد داشته باشم.

خیلی‌ها فکر می‌کردند علیرضا عصار، سخت‌گیرترین داور «بندبازی» باشد، اما نوع برخورد شما منطقی و بر مبنای آموزش و انتقال تجربیات بود؛ موضوعی که در فضای مجازی هم

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

علاقه‌مندان به آن هستند که اگر استعداد بالایی در

شرق؛ علیرضا عصار، شاید تنها بازمانده نسل اول

موسیقی پاپ بعد از انقلاب باشد. او هرچند در سال‌های اخیر کم‌کار شده، اما همچنان کوشیده دوستدارانش را با خود پیش ببرد و البته نشان داده توانایی جذب مخاطبان نسل جدید را نیز با آثارش دارد. عصار در انتخاب‌هایش؛ چه آثار اجتماعی و چه عاشقانه، انگار می‌داند کدام اثر در چه دوره‌ای می‌تواند شنونده بیشتری پیدا کند و کدام ترانه برای چه دوره‌ای سروده شده است.

این هنرمند به عنوان یکی از داوران «بزرگ‌ترین رقابت گروه‌های موسیقی» در ایران انتخاب شده و در کنار بهروز صفاریان، امید نعمتی، مهراوه شریفی‌نیا و امید حاجیلی (میزبان و مجری) نشسته است. برنامه «بندبازی» با حضور این چهره‌های نامدار موسیقی و سینما از طریق پلتفرم «فیلم‌ت» پخش شده است. چند قسمت نخست برنامه، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت و همین واکنش‌ها دلیل گفت‌وگو با خواننده آثار «خاطره‌انگیزی مانند «خیال نکن نباشی» شد؛ خواننده‌ای که در این برنامه سعی کرده نگاهی متمرکز بر آموزش و هدایت داشته باشد، نه نقد و تخریب. علیرضا عصار در گفت‌وگو با «شرق» از «بندبازی»، واکنش‌ها و حاشیه‌های این برنامه گفت. ماحصل این گفت‌وگو را ادامه می‌خوانید:

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

علاقه‌مندان به آن هستند که اگر استعداد بالایی در

شرق؛ علیرضا عصار، شاید تنها بازمانده نسل اول

موسیقی پاپ بعد از انقلاب باشد. او هرچند در سال‌های اخیر کم‌کار شده، اما همچنان کوشیده دوستدارانش را با خود پیش ببرد و البته نشان داده توانایی جذب مخاطبان نسل جدید را نیز با آثارش دارد. عصار در انتخاب‌هایش؛ چه آثار اجتماعی و چه عاشقانه، انگار می‌داند کدام اثر در چه دوره‌ای می‌تواند شنونده بیشتری پیدا کند و کدام ترانه برای چه دوره‌ای سروده شده است.

این هنرمند به عنوان یکی از داوران «بزرگ‌ترین رقابت گروه‌های موسیقی» در ایران انتخاب شده و در کنار بهروز صفاریان، امید حاجیلی (میزبان و مجری) نشسته است. برنامه «بندبازی» با حضور این چهره‌های نامدار موسیقی و سینما از طریق پلتفرم «فیلم‌ت» پخش شده است. چند قسمت نخست برنامه، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی به دنبال داشت و همین واکنش‌ها دلیل گفت‌وگو با خواننده آثار «خاطره‌انگیزی مانند «خیال نکن نباشی» شد؛ خواننده‌ای که در این برنامه سعی کرده نگاهی متمرکز بر آموزش و هدایت داشته باشد، نه نقد و تخریب. علیرضا عصار در گفت‌وگو با «شرق» از «بندبازی»، واکنش‌ها و حاشیه‌های این برنامه گفت. ماحصل این گفت‌وگو را ادامه می‌خوانید:

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

علاقه‌مندان به آن هستند که اگر استعداد بالایی در

شرق؛ علیرضا عصار، شاید تنها بازمانده نسل اول

موسیقی پاپ بعد از انقلاب باشد. او هرچند در سال‌های اخیر کم‌کار شده، اما همچنان کوشیده دوستدارانش را با خود پیش ببرد و البته نشان داده توانایی جذب مخاطبان نسل جدید را نیز با آثارش دارد. عصار در انتخاب‌هایش؛ چه آثار اجتماعی و چه عاشقانه، انگار می‌داند کدام اثر در چه دوره‌ای می‌تواند شنونده بیشتری پیدا کند و کدام ترانه برای چه دوره‌ای سروده شده است.

این بستر بهترین پیشنهاد در همه این سال‌ها بوده و هست. به هر حال زمانی که نسل ما در ابتدای جریان موسیقی پاپ بعد از انقلاب آغاز به کار کرد، هرگز چنین بسترها و برنامه‌هایی وجود نداشت. فکر می‌کنم «بندبازی» بهترین بستر برای گروه‌هایی است که فکر می‌کنند آثارشان سخت شنیده می‌شود. آنها می‌توانند از طریق این برنامه هنرشان را بهتر معرفی کنند. همین فکر و ایده بود که باعث شد تصمیم بگیرم در این برنامه حضور پیدا کنم و نقشی کوچک در معرفی جوانان بااستعداد داشته باشم.

خیلی‌ها فکر می‌کردند علیرضا عصار، سخت‌گیرترین داور «بندبازی» باشد، اما نوع برخورد شما منطقی و بر مبنای آموزش و انتقال تجربیات بود؛ موضوعی که در فضای مجازی هم

هنر

در باره تأثیرات برنامه‌های استعدادی‌بی موسیقی به بهانه واکنش‌ها به پخش برنامه‌ای جدید

«بندبازی» با علیرضا عصار

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم



موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

ولی عمده فعالیت او به حضور در تلویزیون و سینما برمی‌گردد...
مهراوه شریفی‌نیا از جمله هنرمندان و دوستان خبلی خوب من است. در جلسات مختلفی که برای این برنامه برگزار کردیم، همه متفق‌القول به این نتیجه رسیدیم که حتماً یکی از داوران از بین هنرمندان خانم باشد. من با کمال میل با مهراوه شریفی‌نیا صحبت کردم و این پیشنهاد از سوی من ارائه شد. خانم شریفی‌نیا فارغ‌التحصیل موسیقی و البته نوازست بسیار قوی است. علاوه بر همه اینها او بسیار متشخص و دورس خبلی خوب همه ما بود؛ همه این عوامل باعث شد تصمیم بگیریم که او هم در بین هیئت داوران باشد.

برنامه‌های استعدادی‌بی در ایران هرگز توانسته‌اند خروجی قابل توجهی داشته باشند. معمولاً برنده‌های این قبیل برنامه‌ها بعد از اتمام برنامه رها شده و چندان جدی گرفته نمی‌شوند. این اتفاق، نوعی سرخوردگی برای

موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

علاقه‌مندان به آن هستند که اگر استعداد بالایی در

شرق؛ علیرضا عصار، شاید تنها بازمانده نسل اول

موسیقی داشته باشید، اما بودجه و اوضاع مالی خوبی نداشته باشید، هرگز فرصت ارائه خود و هنرتان برای عموم فراهم نخواهد بود. من بعد از دیدن میزان کیفیت پیش‌تولید و برنامه‌ریزی‌ها برای «بندبازی» معتقدم حضور در این برنامه بهترین میانه برای رسیدن به آرزوهای یک خواننده جوان خواهد بود. خودم نمونه واقعی خواننده‌ای هستم که در ابتدای مسیر کاری‌ام، نه پول داشتم و نه رابطه خاصی، شکوه و عظمت موسیقی و به‌صورت کلی هنر از دید من هرگز نیازمند پول یا روابط خاص نیست. هنر، استعداد و ارائه خوب می‌طلبد و «بندبازی» فرصتی برای ارائه هنر افراد مستعد است. خدا آقای فرهاد مهراد را بیامرزد. گیتار را در دست می‌گرفت و به محض شروع اجرا، همه مدهوش می‌شدند. مگر پول یا رابطه خاصی برای معرفی و ارائه آثار او بود؟ اکنون نیز وضعیت همین است. «بندبازی» همه امکانات و شرایط را در اختیار همه گروه‌های موسیقی در همه‌جای ایران قرار می‌دهد تا بتوانند هنرشان را به مخاطبان معرفی کنند.

برای برنده «بندبازی» و گروه برگزیده، جایزه یک میلیارد تومانی در نظر گرفته شده؛ ادعایی بسیار بزرگ که در صورت تحقق می‌تواند سرنوشت هنری یک گروه را هم تغییر دهد...
یک میلیارد تومان جایزه برنده «بندبازی»، عددی است که حتی برای گروه‌های معروف این روزهای مارکت موسیقی در ایران هم عدد قابل توجهی است. بدون شک برنده این جایزه با این پول می‌تواند تبلیغات و برنامه‌ریزی وسیعی برای آینده خودش داشته باشد و مسیر هنری و کاری خود را تغییر دهد. اصلاً ما به همین خاطر اینجاییم تا کسانی که استعداد دارند و شرایط مالی خوبی ندارند، بیایند

مسیر زندگی و هنرشان عوض شود. این وظیفه ماست که نوعی ساختارهای فرهنگی را با پر و بال دادن به استعداد‌های جدید وارد فضای بهتر و جدیدتر در حوزه موسیقی کنیم.

«بندبازی» در جریان اصلی موسیقی در ایران چه نقطه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا توانایی آغاز جریانی امیدوارکننده برای معرفی گروه‌های موسیقی به جامعه موسیقی ایران را دارد؟

به‌شخصه به‌شدت اعتقاد دارم که اگر برنامه خوبی برای موسیقی ساخته شود، به سود همه اعضای جامعه موسیقی است. اگر تمام موارد پیش‌بینی‌شده برای رویداد «بندبازی» درست و حرفه‌ای پیش برود، ایمان دارم که می‌توانیم بهره‌بردارِی‌ها و تأثیرات آن را در کلیت موسیقی کشور به‌وضوح ببینیم؛ مثلاً در یک گروه، نوازنده شاخصی هست که در «بندبازی» کارش دیده شده و جذب گروه‌های معروف موسیقی در کشور می‌شود. می‌خواهم به این نکته برسم که صرف اول‌شدن در این رویداد، می‌تواند نقطه هدف برای گروه‌ها نباشد، چون می‌توانند در بخش‌های مختلف هنرشان را ارائه دهند و این ارائه می‌تواند گستردگی و جغرافیای بزرگ‌تری را شامل شود.

پادداشت

ثانیه به ثانیه با مردم پیش می‌روم



نیما بانک

کارگردان «بندبازی»

همین اول ماجرا از شما می‌پرسم: «چرا مهراوه شریفی‌نیا، نه؟!» فکر می‌کنم اولین سؤال هم همین باشد. من باصراحت به شما می‌گویم که این انتخاب حاصل چند ماه هم‌فکری، مشورت، پیشنهاد و تحقیق و پژوهش بوده. برنامه‌ای با این میزان پروداکشن عظیم، به نظر شما در انتخاب داورهایش چقدر می‌تواند وسواس داشته باشد؟ جوابش را خودم به شما می‌گویم: «شما هرگز نمی‌توانید حتی فکرش را هم بکنید که این انتخاب‌ها چند ماه زمان برده و چه پروسه‌ای را گذرانده».

سؤال مهم‌تر: «اگر این انتخاب بهترین گزینه ممکن نبود، داوران برنامه حاضر بودند در این مجموعه باشند؟».

دیگر نیازی به توضیح من نیست. همه می‌دانیم که حضور چهره‌های مهم و تأثیرگذار هنری در یک مجموعه، فقط در شرایطی است که وزن هنری بقیه تیم در حوالی هم باشد. امید حاجیلی، علیرضا عصار، بهروز صفاریان و امید نعمتی وزنه‌های مهم اعتباری برای «بندبازی» هستند و در حوزه‌های خود بهترین‌اند. وقتی آقای عصار شخصاً پیشنهاد حضور مهراوه شریفی‌نیا را می‌دهد و از او به‌عنوان یکی از باسوادترین‌های موسیقی نام می‌برد، دیگر حرفی باقی مانده؟ نیازی هست من به شما بگویم که خانم شریفی‌نیا فارغ‌التحصیل موسیقی است و بر دو ساز پیانو و فلوت در حد حرفه‌ای تسلط دارد؟ من هم می‌دانم که توضیح‌دادن، یعنی ضعف. همه می‌دانیم.

ما هرگز تیم ضعیفی نیستیم و اصولاً در انتخاب‌های‌مان گزینه‌ای‌ها به جز بهترین‌های هر حوزه نداریم. ما بزرگ‌ترین پروداکشن با حدود شش هزار متر دکور را برای «بندبازی» پیش‌بینی کردیم. محکم و سفت روی اصول تولیدمان ایستادیم. بیشترین همکاری را از «فیلم‌نت» و گروه تهیه‌کنندگی دیدیم. بیشترین مساعدت و همکاری را از ساترا. انتظارات‌مان هم در بالاترین حد ممکن بود. ثانیه به ثانیه برنامه با وسواس وحشتناکی روی آنتن رفته، پس چنین پروژه‌ای هرگز حق ذره‌ای ضعف و بازگذاشتن کوچک‌ترین درصد ریسکی را ندارد.

به همه این توضیحات، این موضوع را هم اضافه کنید که در برنامه‌های استعدادی‌بی جهان که مخاطبان میلیونی دارند، آیا هیئت داوران براساس تخصص‌شان چیده می‌شوند؟ چند سلب‌ریتی در حوزه‌های مختلف دور هم جمع می‌شوند تا نظرات شخصی‌شان را درباره استعداد شرکت‌کننده‌ها بیان کنند. حتی اگر این فرمول را که در جغرافیای جهانی کارکرد دارد هم الگوی «بندبازی» قرار ندیم، باز هم ما خیلی خیلی جلوتریم؛ چون آدم‌های کارشناس و متخصص را کنار هم چیده‌ایم و از همه مهم‌تر، من اگر براساس قوانین کشور نمی‌توانم به موسیقی زنان و صدای زنان بپردازم، حداقلش این است که می‌توانم یک خانم با تخصص موسیقی را در تیم داورِی بنشانم. بخشی از آرمان‌شهر من روی همین موضوع بود که تا حد توان و تا جایی که مطابق بر اصول و قوانین جاری کشور است، سعی کرده‌ام به آن بپردازم. حالا که جواب سؤالات قابل پیش‌بینی‌تان را گرفتید، یک اعتراف مهم هم دارم.

انرژی بسیار خوبی دارم از واکنش‌های مثبت درباره برنامه. نمی‌توانید تصور کنید که چقدر آدم ایدئالیست‌هستم. هر کامنت و نظری را بررسی می‌کنم و حلالاً بعد از پخش تنها دو قسمت، این میزان واکنش و انرژی خوب از سوی مردم و بیننده‌ها، برای من فقط و فقط آذرنالین است. دو شب است خواب نبرده و فقط نظرات را آنالیز می‌کنم. توییت‌های اهالی رسانه و فعالان فرهنگی را می‌خوانم و هشتک «بندبازی» را شخم زده‌ام! هر کار بزرگ و ایده مهمی، در نوع پردازش آن تعریف می‌شود. ما روی مخاطب و مردم فوکوس کردیم و «احترام به شعور مخاطب» بزرگ‌ترین دغدغه ما بوده. سال‌هاست که بازی با شعور مخاطب در جریان بدنه برنامه‌سازی در ایران رواج پیدا کرده. من اصل را بر این گذاشتم که از همان ثانیه اول تا آخرین قسمت برنامه، همه پا به پای ما پیش بیایند. «بندبازی» باید تکثیر شود و به مرور و در سیزن‌های بعدی، بزرگ و بزرگ‌تر شود. ما اگر مخاطب و مردم را با خودمان نداشته باشیم، همین اول بازی، بازنده‌ایم؛ ولی ما قرار است ادامه داشته باشیم و برای این‌ا ادامه‌داربودن، فقط و فقط باید بحث کیفیت و تأثیرگذاری را در اولویت‌های هدف‌گذاری‌های‌مان، لحاظ کنیم.

^[1] موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم

^[2] موسیقی برای من جدی است، پس با کسی شوخی ندارم